
بسم الله الرحمن الرحيم
YAŞIL KÖLGƏ

دانشکده الهیات ومعارف اسلامی

گروه فقه شافعی

مباحث اصول فقه (۲)

هفته هشتم

استاد : دکتر مصطفی ذوالفقار طلب

دستیار: فردین قمری

مسالک العله:

تعریف مسالک العله: راه های دستیابی به علت مقیس علیه(اصل)

انواع مسالک العله :

۱- نص : انواع دلالت نص بر علت (چگونگی دلالت نص بر علت)

الف : دلالت نص صریح قطعی بر علت که احتمال غیر علت وجود ندارد ، که معمولا با الفاظ تعلیل همراه است (لکیلا ، لاجل کذا ، کیلا ، لئلا و...)

مثال : « **رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ.**» نساء/ ۱۶۵

ب: دلالت نص صریح غیر قطعی بر علت به طور راجح (صریح ظنی) ولی احتمال مرجوح غیر این علت نیز وجود دارد .

مثال : « **كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ**» ابراهیم /۱. لفظ (لام) در «لتخرج» برای تعلیل است ولی احتمال "لام" به معنای عاقبت نیز وجود دارد .

ج:دلالت نص غیر صریح بر علت ؛ به طوری که نص بر علت از طریق اشاره دلالت دارد و قرینه موجود بیانگر علت است

* موارد ذیلِ از نوع دلالت نص غیر صریح بر علت است .

-جمله « إن» مثقله به معنای تعلیل «إنه لیس بنجس ، إنها من الطوافین علیکم والطوافات » در پاسخ به حکم پس مانده گربه.

-جمله ی جوابیه « إعتق رقبه » در جواب حکم مقاربت با زوجه در رمضان .

-لفظ مشتق که مشعر بر علیت است : «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُواْ أَيْدِيَهُمَا» مائده/۳۸

نکته : گاهی نص بیانگر علت حکم است که از آن تعبیر به «منصوص علیه » می شود

۲- اجماع : اجماع بیانگر علیت حکم باشد .
مثال : اجماع بر اینکه ترتیب نسبی در برادر شقیق (پدر ومادری) علت تقدیم بر برادر پدری در ارث بری است .

۳- سبر و تقسیم : عبارت است از استقرای علتهای صالحه احتمالی و سپس بررسی تمامی آنها بر اساس شروط علت و در نهایت الغای علتهای غیر صالحه و ابقای علت های صالحه.

مثال : برای دستیابی به علت تحریم خمر ، نخست علتهای صالحه احتمالی استقرا و تدوین می گردد . از جمله انگور بودن ، سائل بودن ، رنگ وبوی خاص داشتن، اسکار (مست کننده بودن) این عملیات تقسیم نام دارد و سپس مجتهد براساس شروط علت به بررسی و تطبیق این اوصاف احتمالی می پردازد که از این عملیات تعبیر به "سبر" می شود سپس علت احتمالی اول (انگور بودن) به دلیل قاصر بودن و غیر قابل تعدیه بودن آن ، الغاء می شود و علت احتمالی دوم و سوم (سائل بودن و رنگ وبوی خاص داشتن) نیز به دلیل طردی یا اتفاقی بودن آن (غیر مرتبط با حکم) الغا می گردد. اما علت احتمالی اخیر ، (اسکار) به دلیل وصف ظاهر، منضبط و قابل تعدی بودن به عنوان علت صالحه ابقا می گردد.

ادامه مسالک علت :

نکته : از علتهای غیر مرتبط به حکم ، تعبیر به اوصاف طردی یا اتفاقی می شود .

ادامه مسالک علت :

۴- تنقیح مناط: عبارت است تنقیح ،تهذیب ، تمییز یا تفکیک ؛ علت صالحه از علتهای غیر صالحه که تمام این علت ها _صالحه وغیر صالحه_ در نص آمده باشد ، بدون آنکه نص بر علیت آن تصریح کند.

مثال: حدیث «إن اعرابیا واقع زوجته فی نهار رمضان عامدا ، فجاء الی النبی صلی الله علیه وسلم و اخبره و امره بالکفاره»

در این نص اوصاف _علتهای _ فراوانی "صالحه وغیر صالحه" وارد شده است ، ولی در نص تصریح بر علیت آن نشده است .

* علتهای احتمالی: بیابانی بودن شخص جماع کننده ، وقوع جماع در مدینه ، وقوع جماع در ماه رمضان .

مجتهد همه این اوصاف را الغا کرده وعلت دیگری را می یابد که در نزد جمهور ؛ وقوع عمدی جماع در رمضان است ؛ ولی در نزد حنفیه انتهاک یا شکستن حرمت رمضان است که بر اساس این دیدگاه هر نوع مبطل روزه ، موجب کفاره است. که جماع از طریق "عباره النص" و غیر جماع از طریق "دلاله النص" ثابت می شود.

تحقیق مناط :
ارائه دلیل بر اینکه علت موجود در اصل ، در فرع نیز وجود دارد .

تفاوت سبر وتقسیم با تنقیح مناط :
عملیات سبر وتقسیم به هنگام عدم وجود نص دال بر علت انجام می گیرد ؛ در حالیکه تنقیح مناط ، هنگامی است که نصی بیانگر علت حکم باشد ، وجود دارد ؛ ولی در اینگونه نص ، علتهای غیر مرتبطی وجود دارد که مجتهد به تنقیح یا تهذیب آن می پردازد .

تخریج المناط (مستنبط العله) : تعیین علت از طریق یکی از مسالک علت (مانند سبر وتقسیم) در بین اوصافی که از طریق نص یا اجماع ثابت نشده است .
مثال : اسکار _مست کنندگی _ به عنوان علت تحریم خمر ؛ به فرض نبودن نص یا اجماعی بر علیت آن ، از طریق سبر وتقسیم کشف وتعیین شده است .
مثال : «صغر» به عنوان علت ولایت در نکاح ، به دلیل عدم وجود نصی برای آن ، از طریق سبر وتقسیم مشخص شده است.

اقسام قیاس به لحاظ ضعف وقوت علت موجود در اصل وفرع :

۱- قیاس اولی (قیاس اولویت):

آن نوع قیاسی که علت موجود در فرع قوی تر از علت موجود در اصل باشد ؛ بنابراین فرع به طریق اولی نسبت به حکم اصل ثابت می گردد.
مثال : «ولا تقل لهما اف » (اسراء /۲۳) « به آنان _پدر ومادر_ "اف " مگو .»
وجه استدلال : "اف " گفتن به والدین از طریق نص تحریم شده است وعلت این تحریم " اذیت وناراحت شدن" آنان است ، واین علت در غیر " اف" مثل "زدن والدین " به حد بیشتری وجود دارد، پس شدت تحریم زدن والدین به مراتب بیشتر از تحریم "اف" گفتن به آنان است .

۲-قیاس مساوی:

علت موجود در فرع به اندازه علت موجود در اصل است .
مثال : «إِنَّ الَّذینَ یَأْکُلُونَ أَمْوالَ الْیَتامی ظُلْماً إِنَّما یَأْکُلُونَ فی بُطُونِهِمْ ناراً وَسَیَصْلَوْنَ سَعیراً» نساء /۱۰ . (بیگمان کسانی که اموال یتیمان را به ناحق و ستمگرانه می خورند ، انگار آتش در شکمهای خود (می ریزند و) می خورند . (چرا که آنچه می خورند سبب دخول ایشان به دوزخ می شود) و (در روز قیامت) با آتش سوزانی خواهند سوخت .)
وجه استدلال : خوردن مال یتیم از طریق نص مذکور تحریم شده است و علت این تحریم اعتداء بر مال یتیم و اتلاف آن است واین علت در غیر خوردن نیز مانند سوزاندن مال یتیم به اندازه یکسان وجود دارد ؛ پس اندازه تحریم سوزاندن مال یتیم با خوردن آن یکی است .

۳- قیاس ادني :

آن نوع علتی که تحقق آن در فرع ضعیف تر از تحقق آن در اصل باشد .
مانند : اسکار در دو چیز که هر چند هر دو مست کننده باشند ولی اسکار در چیزی کمتر از اسکار در اصل نبیذ انگور باشد.